Vol. 13 | No. 3466 | Thu. Nov 19 . 2026 | پنجشنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۵ | ۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ | سال سیزدهم | شماره ۳۴۶۶ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

# تعادل

نیاز اقتصاد ایران

| دلار | یورو | تمام‌سکه | شاخص بورس |
|---|---|---|---|
| -- | -- | -- | -- |

پرونده هسته‌ای ایران در شورای حکام

## آژانس دسترسی می‌خواهد تهران امنیت و تضمین

صفحه ۲

محدودیت ۴۰۰ یورویی توقف رجیستری آیفون ۱۸ و افت ۵۷ درصدی واردات

## بن‌بست در واردات گوشی‌های گرانقیمت

صفحه ۶

«تعادل» روند معاملات بازار سهام را بررسی می‌کند

# بورس در تله نوسان

بازار سهام طی آخرین روز کاری هفته نیز رفتاری نوسانی داشت و آخر هفته را با قرمز پوشی به پایان رساند. این رفتار نوسانی بازار سهام در حالی رخ می‌دهد که همچنان بسیاری از سهام زمینه رشد دارند و به‌نوعی می‌توانند روند صعودی داشته باشند. این وضعیت نشان می‌دهد که اگرچه بازار سرمایه همچنان از ظرفیت‌های بنیادی برای رشد برخوردار است، اما مجموعه‌ای از ابهامات مانع شکل‌گیری یک روند صعودی قدرتمند و باثبات شده است. یکی از مهم‌ترین دلایل نوسانات بورس را باید در اخبار سیاسی و ریسک‌های ناشی از تحولات منطقه‌ای جست‌وجو کرد. در شرایطی که احتمال تشدید تنش‌ها یا انتشار اخبار منفی وجود دارد... صفحه ۴ را بخوانید



علی بیگدلی
کارشناس روابط بین‌الملل دیدار رهبران سه قدرت دنیا را تحلیل می‌کند

## به دنبال نظم جدید؟



با حضور گسترده مردم پیکر آیت‌الله وحید خراسانی در قم تشییع شد

## وداع با استاد اصول

رهبر معظم انقلاب با صدور پیامی تاکید کردند

### آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی از ارکان اصلی تعلیم فقه بودند

صفحه ۲

سناریوهای بازار ملک در سال ۱۴۰۶

## استطاعت مردم بازار مسکن را زمینگیر می‌کند؟

بازار مسکن ایران در آستانه سال ۱۴۰۶ با معادله‌ای پیچیده مواجه است؛ معادله‌ای که در یک سوی آن افزایش هزینه ساخت، تورم مصالح و نهاده‌های ساختمانی و نااطمینانی اقتصادی قرار دارد و در سوی دیگر، خانوارهایی ایستاده‌اند که قدرت خریدشان به‌شدت کاهش یافته و دیگر توان همراهی با موج‌های جدید افزایش قیمت را ندارند. در چنین شرایطی، برخلاف برخی بازارهای دارایی که قیمت‌ها می‌توانند با انتظارات تورمی و تحولات ارزی رشد کنند، بازار مسکن بیش از هر زمان دیگری با محدودیت تقاضای موثر روبروست. این تقابل می‌تواند مسیر متفاوتی برای تورم مسکن در سال آینده رقم بزند؛ به گونه‌ای که حتی افزایش هزینه‌های تولید نیز لزوماً به افزایش متناسب قیمت فروش منجر نشود. برآورد یک پژوهشگر مسکن و شهرسازی نشان می‌دهد تورم مسکن در سناریوهای مختلف سال ۱۴۰۶ ممکن است از محدوده نزدیک به صفر تا حداکثر نصف تورم عمومی متغیر باشد؛ پیش‌بینی‌ای که... صفحه ۵ را بخوانید

یادداشت-۱

### جنایتی به نام حمله به زیرساخت‌های آبی ایران!



مهدی زارع

در آبان ۱۴۰۵ گزارشی تحقیقی از روزنامه نیویورک تایمز بحثی داغ را در میان کارشناسان، رسانه‌ها و افکار عمومی ایران و جهان به راه انداخت: آیا ساخت صدها سد و طرح انتقال آب در ایران، دست‌کم در برخی موارد، با هدف پشتیبانی از پایگاه‌های مخفی موشکی سپاه پاسداران انجام شده است؟ و پرسش مهم‌تر اگر چنین ارتباطی وجود داشته باشد، آیا حمله به این سدها از نظر حقوق بین‌الملل مجاز است؟ این مقاله تلاش می‌کند با زبانی ساده، سه پرسش را از هم جدا کند: ادعای نیویورک تایمز چه می‌گوید، واکنش‌ها به آن چیست، و حقوق بین‌الملل در مورد حمله به سدها چه حکمی دارد.

نیویورک تایمز در گزارش خود به قلم صنم ماحوزی و اریکا سالمن نوشت که کارشناسان محیط زیست سال‌ها از گسترش سدسازی در مناطقی که نیاز آشکاری به چنین زیرساخت‌هایی نداشتند شگفت‌زده بودند. نیما شکری، پژوهشگر امنیت آب در دانشگاه فنی هامبورگ، به این روزنامه گفت که هنگام بررسی نقشه حملات هوایی امریکا و اسراییل به تأسیسات موشکی ایران متوجه شباهت قابل توجهی میان محل این حملات و پراکندگی سدها شد. هفت کارشناس نظامی و منابع آب به نیویورک تایمز گفتند که ساخت تأسیسات گسترده نظامی در نزدیکی سدها می‌تواند دسترسی پایدار به آب و برق را برای پایگاه‌های زیرزمینی فراهم کند. دنی سیترینوویچ، تحلیلگر پیشین اطلاعات نظامی اسراییل، گفت جمهوری اسلامی انگیزه زیادی دارد که تأسیسات موشکی خود را از شبکه زیرساختی سراسری مستقل کند. با این حال، خود نیویورک تایمز تأکید کرد که به دلیل محرمانه بودن برنامه موشکی ایران، ارتباط میان پروژه‌های آبی و تأسیسات نظامی «هنوز قطعی نیست». این گزارش با واکنش‌های تند و متناقضی روبه‌رو شد. کاوه مدنی، پژوهشگر شناخته شده محیط زیست و رییس موسسه آب، محیط زیست و بهداشت سازمان ملل متحد، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «کمتر مزخرف بگوییم. حدس و گمان، مدرک نیست. نزدیکی جغرافیایی دو متغیر، دلیلی بر وجود رابطه علت و معلولی نیست.» او هشدار داد که این روایت «می‌تواند پیامدهای خطرناکی برای زیرساخت‌های غیرنظامی آب داشته باشد». نیما شکری که خود منبع اصلی گزارش بود پس از انتشار آن موضعش را روشن کرد: «نزدیکی سدها به اهداف نظامی، دلیل ساخت آن سدها را اثبات نمی‌کند و حمله به آنها را هم توجیه نمی‌کند.» او صریحا گفت که با حمله به سدها و زیرساخت‌های آبی غیرنظامی «به‌شدت مخالف است». اسفندیار باتمانقلیچ، بنیانگذار اندیشکده «بورس و بازار» استدلال کرد که از بیش از ۵۰۰ سد بزرگ ایران، کمتر از ۵۰ سد توربین تولید برق دارند. او گفت: «این فرضیه که ایران صدها سد ساخته تا برق تأسیسات نظامی‌اش را تأمین کند، با این آمار جور در نمی‌آید.» به گفته او، دلیل اصلی سدسازی در ایران رانت گروه‌های ذی‌نفع و شرکت‌های عمرانی وابسته به سپاه است، نه پوشش نظامی. او این گزارش را «نمونه کلاسیک مساله متغیر سوم» خواند: هم سدها و هم تأسیسات نظامی در مناطق کوهستانی ساخته می‌شوند، بنابراین نزدیکی جغرافیایی لزوما به معنای رابطه علّی نیست. آیا حمله به سد مجاز است؟ پاسخ حقوقی به این پرسش، فارغ از درستی یا نادرستی ادعای نیویورک تایمز، نسبتا روشن است: سدها تحت حمایت ویژه حقوق بین‌الملل بشردوستانه قرار دارند. بر اساس ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷)، «آثار و تأسیساتی که نیروهای خطرناک دارند، یعنی سدها، خاکریزها و نیروگاه‌های هسته‌ای، نباید هدف حمله قرار گیرند، حتی وقتی که اهداف نظامی باشند، اگر چنین حمله‌ای ممکن است موجب رها شدن نیروهای خطرناک و در نتیجه تلفات شدید در میان جمعیت غیرنظامی شود.» کمیته بین‌المللی صلیب سرخ این قاعده را به عنوان یک هنجار حقوق بین‌الملل عرفی قابل اجرا در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی تأیید کرده است. به عبارت ساده: حتی اگر یک سد «هدف نظامی» محسوب شود، حمله به آن تنها در شرایط بسیار محدودی مجاز است و باید «دقت ویژه» شود تا خطر رها شدن سیلاب و کشته شدن غیرنظامیان به حداقل برسد. نکته مهم دیگر این است که کنوانسیون‌های ژنو صراحتا حمله به «اشیای ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی» از جمله «تأسیسات و منابع آب آشامیدنی و تأسیسات آبیاری» را ممنوع کرده‌اند. حتی در صورتی که زیرساختی هم کاربرد غیرنظامی و هم کاربرد نظامی داشته باشد، اصل تناسب حکم می‌کند که اگر تلفات غیرنظامی مورد انتظار در مقایسه با مزیت نظامی مستقیم و مشخص «بیش از حد» باشد، حمله باید لغو شود. بحث درباره ارتباط سدهای ایران با پایگاه‌های موشکی، در بهترین حالت یک «گمانه‌زنی» است که خود نویسندگان گزارش و حتی پژوهشگری که داده‌های اولیه را فراهم کرده، بر قطعی نبودن آن تأکید کرده‌اند. اما پرسش حقوقی پاسخ روشن‌تری دارد: سدها، به دلیل نیروهای خطرناکی که در خود نگه می‌دارند، تحت حمایت ویژه حقوق بین‌الملل قرار دارند و حمله به آنها - فارغ از هر ادعایی درباره کاربرد نظامی - تنها در شرایط بسیار استثنایی و با رعایت اصل تناسب ممکن است قابل توجیه باشد. خطر اصلی این گزارش‌ها نه در اثبات یک «توطئه» بلکه در فراهم کردن بهانه‌ای برای عادی‌سازی حمله به زیرساخت‌هایی است که زندگی میلیون‌ها غیرنظامی به آنها وابسته است.



علی بیگدلی

مقایسه نشست شنژن چین با حضور رهبران چین، روسیه و امریکا با کنفرانس تهران در سال ۱۹۴۳ با حضور رهبران انگلیس، امریکا و شوروی از منظر نمادین قابل فهم است، اما از نظر تاریخی باید این تحلیل‌ها را با احتیاط انجام داد. در کنفرانس تهران، فرانکلین روزولت، وینستون چرچیل و ژوزف استالین، رهبران سه قدرت اصلی متفقین، درباره عملیات جنگ جهانی دوم و نظم پس از جنگ گفت‌وگو کردند.

بر اساس اسناد وزارت خارجه امریکا، آن نشست به تعهد امریکا و بریتانیا برای گشودن جبهه دوم علیه آلمان و نیز گفت‌وگو درباره آینده ایران انجامید. نشست کنونی در شنژن چین از این جهت اهمیت دارد که برای نخستین‌بار رهبران امریکا، چین و روسیه را در قالبی سه‌جانبه کنار هم قرار می‌دهد. گزارش رسانه‌های بین‌المللی دستورکار احتمالی نشست را شامل کنترل و منع اشاعه هسته‌ای، جنگ خاورمیانه و مساله ایران، تجارت و شاید جنگ اوکراین دانسته است.

تفاوت بنیادین دو نشست را نباید نادیده گرفت: در سال ۱۹۴۳، طرف‌های ائتلافی جنگی با هدفی نسبتا مشترک بودند؛ امروز سه قدرت، همزمان شریک مذاکره و رقیب راهبردی یکدیگرند. در این میان هر یک از سه رهبر با اولویتی متفاوت به میز مذاکره می‌آید. روسیه می‌خواهد جنگ اوکراین و ترتیبات امنیتی اروپا در مرکز گفت‌وگو باقی بماند. چین، افزون بر حفظ روابط نزدیک با مسکو، با امریکا بر سر تعرفه‌ها، تراز تجاری و آینده روابط اقتصادی اختلاف دارد و مساله تایوان نیز در پس‌زمینه همه تماس‌های دو کشور قرار گرفته است.

امریکا نیز می‌کوشد موضوع منع اشاعه هسته‌ای و بحران خاورمیانه را برجسته کند. برای ایران، خطر اصلی آن است که پرونده هسته‌ای نه به عنوان مساله‌ای مستقل، بلکه به عنوان بخشی از چانه‌زنی بزرگ‌تر میان واشنگتن، پکن و مسکو دیده شود. اگر امریکا تصور کند چین و روسیه به دلیل نفوذ سیاسی و اقتصادی خود بر تهران می‌توانند امتیاز بیشتری بگیرند، ممکن است تلاش کند از همین نفوذ برای افزایش فشار استفاده کند.

در مقابل، تهران نیز امیدوار است روابطش با چین و روسیه و جایگاه این دو کشور در شورای امنیت مانع از آن شود که امریکا گزاره‌ای را بتواند به طرف‌های مقابل تحمیل کند. این امید تا حدی قابل اتکاست، اما نباید به محاسبه اصلی سیاست خارجی تبدیل شود.

چین پیش از هر چیز به ثبات تجارت و دسترسی به بازارها می‌اندیشد و بعید است برای تضمین رفتاری که منافع مستقیمش را تهدید کند، خود را درگیر تقابل بلندمدت با امریکا کند. روسیه نیز منافع و دستورکار مستقل خود را دارد و روابطش با ایران الزاما در همه پرونده‌ها هم‌جهت با تهران نیست. بنابراین، اتکا به حمایت این دو کشور می‌تواند بخشی از قدرت چانه‌زنی ایران باشد، اما تضمین توافق نیست.

از سوی دیگر، جامعه ایران تاب‌آوری قابل توجهی برای تاب‌آوری و تحمل فشار اقتصادی و تداوم بلاتکلیفی از خود نشان داده است. مذاکره موفق الزاما به معنای کنار گذاشتن اصول نیست، اما مستلزم تفکیک اهداف امنیتی و دیپلماتیک از شعارهایی است که هزینه سیاسی یا اقتصادی بیشتری دارند و دستاورد عملی کمتری ایجاد می‌کنند.

اگر همه مسائل به یک بسته غیرقابل تفکیک تبدیل شوند، احتمال توافق کاهش می‌یابد؛ در حالی که حل مرحله‌ای پرونده هسته‌ای می‌تواند امکان کاهش تنش و بازسازی اعتماد را فراهم کند.

در بحث تضمین اجرای توافق احتمالی، نباید از چین انتظار نقشی داشت که اساسا در اختیار پکن نیست. چین می‌تواند از مسیر سیاسی، اقتصادی و عضویت دائم در شورای امنیت بر روند توافق اثر بگذارد؛ می‌تواند از تداوم گفت‌وگو حمایت کند یا در برابر بازگشت فوری فشارهای چندجانبه موضع بگیرد.

اما نمی‌تواند به تنهایی تضمین کند که دولت بعدی امریکا از توافق خارج نخواهد شد. تجربه برجام نشان داد که تفاهم سیاسی، حتی اگر با تایید و نظارت بین‌المللی همراه باشد، در برابر تغییر دولت و تغییر اولویت‌های واشنگتن آسیب‌پذیر است. بنابراین ضمانت باید چندلایه باشد: نخست، تعهدهای دقیق و قابل‌سنجش، بازمانبندی روشن و سازوکار راستی‌آزمایی؛ دوم، امتیازهای مرحله‌ای و متقابل، به گونه‌ای که هیچ طرفی همه تعهد خود را پیش از دریافت دستاورد طرف مقابل اجرا نکند... ادامه در صفحه ۳

یادداشت-۲

### دولت باید به سراغ ریشه‌های گرانی برود



مجید گودرزی

یارانه و حمایت‌های غیرنقدی در اقتصادهایی که با مشکلات ساختاری مواجهند، ابزاری برای کاهش فشار بر اقشار آسیب‌پذیر است، اما نباید به راهکاری دایمی برای جبران ناکارآمدی‌ها تبدیل شود. حذف ارز ترجیحی، در کنار آثار تورمی و فشارهای ناشی از جنگ، هزینه تامین کالاهای اساسی را افزایش داده و بخش مهمی از این فشار به سفره خانوارهای کم‌درآمد منتقل شده است. دولت با پرداخت‌های انتقالی تلاش کرده بخشی از این شکاف را جبران کند، اما مبلغ کالابرگ و حمایت‌های مصوب، تناسبی با افزایش هزینه‌های زندگی ندارد و نتوانسته قدرت خرید خانوارها را به سطح قابل قبولی بازگرداند.

مساله اصلی این است که حمایت معیشتی باید متناسب با واقعیت هزینه‌های خانوار طراحی شود. وقتی میانگین دریافتی بخش بزرگی از حقوق‌بگیران دولت حدود ۳۰ میلیون تومان است و هزینه زندگی در کلان‌شهری مانند تهران به ارقامی بسیار بالاتر می‌رسد، نمی‌توان انتظار داشت پرداخت یارانه‌ای ثابت و محدود، شکاف درآمد و هزینه را جبران کند. این فاصله به ویژه در دو قلم اصلی سبد خانوار، یعنی مسکن و خوراک، خود را نشان می‌دهد. بنابراین، افزایش اعتبار کالابرگ و متناسب‌سازی آن با تورم و هزینه‌های واقعی زندگی، ضرورتی جدی است؛ هر چند حتی این اقدام نیز بدون اصلاح سازوکارهای بازار، راه‌حل کاملی نخواهد بود.

دولت نباید تمام مسوولیت حمایت از معیشت را به پرداخت یارانه محدود کند. بخش مهمی از فشار اقتصادی از نحوه شکل‌گیری قیمت‌ها و ضعف نظارت بر زنجیره تامین ناشی می‌شود. در شرایطی که محدودیت‌های صادراتی و تجاری می‌تواند عرضه برخی کالاها را در بازار داخلی افزایش دهد، انتظار می‌رود این افزایش عرضه به تعدیل قیمت‌ها منجر شود.

اگر کالاهایی که پیش‌تر صادر می‌شدند، اکنون بیشتر در بازار داخلی عرضه می‌شوند، باید اثر آن را در قیمت مصرف‌کننده مشاهده کرد. با این حال، گاهی منافع گروه‌هایی در حفظ قیمت‌های بالا قرار دارد و اجازه نمی‌دهد افزایش عرضه به کاهش واقعی قیمت‌ها تبدیل شود. دولت از نظر قانونی و اقتصادی ظرفیت‌های متعددی برای مدیریت بازار دارد و باید از این امکانات با جدیت بیشتری استفاده کند.

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مداخله، بازار مسکن است. وقتی بیش از یک‌سوم هزینه خانوار به مسکن اختصاص پیدا می‌کند، افزایش غیرمنطقی اجاره‌بها عملا اثر حمایت‌های معیشتی را خنثی می‌کند. نمی‌توان از یک‌طرف با کالابرگ به دنبال تقویت قدرت خرید خانوار بود و از طرف دیگر اجازه داد بخش بزرگی از درآمد ماهانه مردم صرف اجاره مسکن شود.

ساماندهی بازار اجاره و استفاده از ظرفیت‌های قانونی برای کنترل افزایش‌های غیرمنطقی، باید بخشی از سیاست حمایت از معیشت باشد. در بخش کشاورزی نیز مشکل فقط میزان تولید نیست، بلکه فاصله میان قیمت خرید از تولیدکننده و قیمت عرضه به مصرف‌کننده، یکی از عوامل مهم فشار بر مردم است.

افزایش تولید محصولات باغی در سال جاری اتفاق مثبتی است، اما وقتی محصول با قیمت ناچیز از کشاورز خریداری می‌شود و در بازار مصرف تا چند برابر قیمت به فروش می‌رسد، افزایش تولید به نفع نه تولیدکننده تمام می‌شود و نه مصرف‌کننده. گزارش‌هایی از اختلاف قیمت تا ۳۰۰ درصدی در برخی محصولات نشان می‌دهد که ضعف نظارت بر حلقه‌های واسطه‌گری و توزیع، می‌تواند دستاورد افزایش تولید را از بین ببرد.

در چنین شرایطی، سیاست حمایتی موثر باید همزمان سه مسیر را دنبال کند: افزایش متناسب کالابرگ و حمایت از دهک‌های کم‌درآمد، مدیریت بازار کالاهای اساسی و مسکن و اصلاح زنجیره توزیع از مزرعه تا سفره. پرداخت یارانه برای جبران فشار ناشی از تورم ضروری است، اما اگر منشا گرانی و سازوکارهای ایجادکننده آن اصلاح نشود، هر میزان افزایش حمایت نیز پس از مدتی در موج بعدی افزایش قیمت‌ها جذب خواهد شد. هدف نهایی نباید صرفا پرداخت مبلغ بیشتری به خانوارها باشد؛ هدف باید حفظ قدرت خرید، کاهش هزینه‌های ضروری زندگی و ایجاد بازاری باشد که در آن هم کشاورز از حاصل تولید خود منتفع شود و هم مصرف‌کننده مجبور نباشد بهای چندبرابری بپردازد.

یادداشت-۳

### گزارش‌های بنیادی در برابر ریسک‌ها



محمد خبری‌زاد

بازار سرمایه در شرایطی روزهای پرنوسانی را پشت سر می‌گذارد که اگرچه از منظر بنیادی ظرفیت مناسبی برای رشد قیمت سهام وجود دارد، اما همچنان مجموعه‌ای از ریسک‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی مانع از شکل‌گیری یک روند صعودی پایدار در معاملات شده است.

در واقع، مهم‌ترین عاملی که در مقطع فعلی به عنوان ترمز رشد بازار سهام عمل می‌کند، ابهامات مربوط به تحولات منطقه‌ای و احتمال تشدید تنش‌هاست؛ موضوعی که باعث شده رفتار معامله‌گران بیش از آنکه بر مبنای متغیرهای بنیادی و عملکرد شرکت‌ها شکل بگیرد، تحت تاثیر اخبار و تحولات سیاسی قرار داشته باشد.

بررسی روند معاملات نشان می‌دهد هر زمان اخبار مثبتی از بهبود شرایط سیاسی و کاهش تنش‌ها منتشر می‌شود، بازار سرمایه با افزایش نسبی تقاضا مواجه شده و حرکت ملایمی را در مسیر صعودی آغاز می‌کند. با این حال، این روند معمولا دوام چندانی ندارد و انتشار اخبار منفی جدید، به‌ویژه در ساعات پایانی روز یا پس از بسته شدن معاملات، بار دیگر فضای احتیاط را بر بازار حاکم می‌کند. انتشار خبرهایی درباره افزایش درگیری‌ها یا حملات متقابل طرفین، موجب می‌شود بخشی از اعتماد ایجاد شده میان معامله‌گران از بین برود و سرمایه‌گذاران برای ورود باقدرت بیشتر به بازار با تردید مواجه شوند.

این شرایط در حالی رقم می‌خورد که از منظر بنیادی، وضعیت بسیاری از شرکت‌های بورسی همچنان قابل قبول ارزیابی می‌شود.

انتشار گزارش‌های عملکرد شش ماهه شرکت‌ها و همچنین گزارش‌های ماهانه مهرماه نشان داده است که بخش قابل توجهی از نمادهای بازار از ظرفیت مناسبی برای جلب توجه سرمایه‌گذاران برخوردارند. به بیان ساده‌تر، در شرایطی که عملکرد عملیاتی و مالی شرکت‌ها می‌تواند زمینه‌ساز بهبود انتظارات سهامداران باشد، ریسک‌های بیرونی اجازه نداده‌اند این ظرفیت بنیادی به‌طور کامل در قیمت سهام منعکس شود.

از سوی دیگر، اصلاح قیمتی بازار در دو تا سه هفته گذشته نیز یکی دیگر از عواملی بوده که زمینه را برای بازگشت تقاضا فراهم کرده است. افت قیمت بسیاری از نمادها باعث شده بخشی از سهام به محدوده‌های جذاب‌تری برای خرید برسند و نسبت به گذشته از منظر ارزش‌گذاری شرایط مناسب‌تری داشته باشند. در نتیجه، ترکیب گزارش‌های بنیادی قابل قبول و اصلاح قیمت‌ها می‌توانست محرک قدرتمندی برای شکل‌گیری یک روند صعودی باشد؛ اما همچنان سایه ریسک‌های ژئوپلیتیکی بر سر معاملات سنگینی می‌کند.

با این حال، بررسی رفتار معامله‌گران در روزهای اخیر نشان می‌دهد وضعیت تقاضا نسبت به دو تا سه هفته گذشته تغییر محسوسی داشته است. یکی از تفاوت‌های مهم شرایط فعلی با دوره قبلی، حضور خریداران قدرتمندتر در بازار است.

در هفته‌های گذشته، تقاضای چندانی برای خرید سهام در برخی نمادها مشاهده نمی‌شد و بسیاری از سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دادند تا زمان اصلاح بیشتر قیمت‌ها و رسیدن سهم‌ها به محدوده‌های جذاب‌تر، از ورود به معاملات خودداری کنند. اما در شرایط فعلی، به نظر می‌رسد بخشی از خریداران با شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری، حضور فعال‌تری در سمت تقاضا دارند.

این موضوع به‌ویژه در معاملات نمادهای بنیادی قابل مشاهده است؛ به‌طوری که در برخی از این سهم‌ها، فشار فروش و تشکیل صف‌های فروش چندان پایدار نیست و با ورود تقاضا، سفارش‌های فروش در مدت کوتاهی جمع‌آوری می‌شوند.

چنین رفتاری می‌تواند نشانه‌ای از وجود تقاضای نهفته در بازار و افزایش تمایل برخی سرمایه‌گذاران به خرید سهام در قیمت‌های فعلی باشد. البته این مساله به معنای بازگشت کامل اعتماد یا پایان احتیاط معامله‌گران نیست، بلکه نشان می‌دهد در کنار ریسک‌های موجود، همچنان سرمایه‌گذارانی حضور دارند که ارزش بنیادی شرکت‌ها را مبنای تصمیم‌گیری خود قرار می‌دهند.

در سمت مقابل، فروشندگان نیز همچنان در بازار حضور دارند و نمی‌توان رفتار محتاطانه آنها را نادیده گرفت. نگرانی اصلی این گروه، تداوم نامشخص تحولات سیاسی و احتمال انتشار اخبار منفی در ساعات خارج از زمان معاملات است.

بسیاری از سرمایه‌گذاران با این دغدغه مواجهند که پس از پایان معاملات روزانه و بازگشت به شرایط عادی زندگی، ممکن است خبر جدیدی از تشدید درگیری‌ها منتشر شود و بازار در روز کاری بعد با شرایط متفاوتی روبه‌رو شود. همین نگرانی باعث شده برخی معامله‌گران ترجیح دهند بخشی از دارایی خود را نقد کنند یا دست‌کم برای افزایش موقعیت‌های معاملاتی خود دست نگه دارند.

در واقع، این رفتار را نمی‌توان صرفا به ضعف تحلیل یا بی‌اعتمادی به بازار سرمایه نسبت داد، چراکه در شرایطی که ریسک‌های سیاسی و نظامی در سطح بالایی قرار دارند، واکنش محتاطانه سرمایه‌گذاران در بازارهای مالی امری طبیعی است. در هر بازاری که با چنین سطحی از نااطمینانی مواجه باشد، تصمیم‌گیری افراد تا حد زیادی به میزان ریسک‌پذیری آنها وابسته خواهد بود؛ بنابراین حضور همزمان خریداران و فروشندگان در معاملات فعلی را باید در چارچوب همین شرایط ارزیابی کرد.

نکته مهم آن است که بازار سرمایه در مقطع کنونی از یک سو با پشتوانه گزارش‌های بنیادی و جذاب‌تر شدن قیمت‌ها مواجه است و از سوی دیگر، همچنان تحت تاثیر ریسک‌هایی قرار دارد که خارج از کنترل شرکت‌ها و فعالان بازار هستند. همین تضاد موجب شده است که بازار نه توانایی شکل‌دهی به یک روند صعودی قدرتمند و مستمر را داشته باشد و نه باوجود حضور تقاضا، به‌طور کامل در مسیر نزولی قرار بگیرد.

به‌طور کلی می‌توان گفت مهم‌ترین متغیر تعیین‌کننده مسیر کوتاه‌مدت بورس، وضعیت ریسک‌های ژئوپلیتیکی خواهد بود. ادامه در صفحه ۳